

تکامل برزخی از منظر عقل و نقل

سید عبدالله اصفهانی*

چکیده

وجود و حیات انسان، دارای اطوار گوناگون است، به طوری که انسان در امتداد پیمایش حرکت تدریجی از قوه به فعل در حیات مادی، وارد عالم برزخ می‌شود. بحث در باره عالم برزخ و مسائل پیرامون آن از دیر باز مورد توجه متکلمان اسلامی بوده است. سوال اصلی تحقیق در این مقاله عبارت است از این که: آیا تکامل نفس که از ابتدای پیدایش در عالم ماده آغاز شده، محدود به همین نشأ عنصری است، یا آن که پس از انقطاع تعلق به بدن، در عالم مثال نیز تداوم می‌یابد؟ هدف این نوشتار، تبیین و اثبات تکامل برزخی است زیرا ربط وثیقی با انسان شناسی دینی و سعادت انسان دارد.

در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای - تحلیلی نگارش شده، این نتیجه حاصل گردید که در آیات و روایات غالباً اشاره صریحی به این مطلب نشده، لیکن به طور تضمینی و التزامی تکامل برزخی استنباط، و در نهایت این موضوع از امور مسلم و ضروریات دینی محسوب می‌شود، مضافاً بر این که برهان عقلی فلسفی نیز آن را تایید می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: تکامل برزخی، قرآن، روایات، عقل

* استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم شماره همراه: ۰۹۱۱۱۴۵۲۱۱۸، آمل، خیابان محمود آباد، بلوار طالب آملی،

دریای ۱۳، دانشکده علوم قرآنی آمل، Email: esfahani.quran@yahoo.com

پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۰

دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱

مقدمه

در زمینه تکامل برزخی در آیات و روایات اشاره صریحی نشده است لیکن از برخی آموزه‌های قرآنی و روایی به دلالت تضمن و التزام می‌توان این مساله را استنباط نمود. از این رو بسیاری از مفسران، فقیهان، متکلمان، حکیمان و عارفان اسلامی این مطلب را امری مسلم و محقق دانسته اند. از آن جا که هدف اصلی این پژوهش، اثبات و تکامل برزخی نفس در عالم برزخ و تبیین چگونگی و مکانیسم این تکامل است، از این رو، اصل وجود عالم برزخ، پیش فرض و اصل موضوعی تلقی می‌شود. مسأله اصلی این پژوهش، این است که بر اساس آموزه‌های وحیانی و عقلی، آیا پرونده اعمال انسان پس از مرگ و ورود به عالم برزخ بسته شده و انسان در همان مرتبه‌ای که در دنیا تحصیل نموده، متوقف شده و سیر اختیاری و استکمالی نفس پایان می‌پذیرد؟ آیا تحصیل کمالات و قابلیت‌های جدید برای نفس در عالم برزخ از منظر وحیانی و عقلی - فلسفی نیز قابل تبیین و اثبات است؟

کنکاش در این مساله از منظر عقلی - فلسفی از پیشینه تاریخی قویمی برخوردار نیست، به طوری که در هیچ یک از کتاب‌های اهل فن، در باب جداگانه‌ای بررسی نشده و فصلی به آن اختصاص نیافته، مگر در اثناء مباحث و به‌طور اشاره‌ای و گذرا. ظاهراً اولین بار فارابی از فیلسوفان اسلامی با فرضیه اثبات نوعی بدن آسمانی برای نفوس غیر کامله به حل فلسفی مساله پرداخته (ابن سینا، ۱۳۶۳: ۱۱۴)، هم چنین ابن سینا در دو کتاب شرح اشارات و تنبیهات (ابن سینا، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۲۷-۴۲۸) و الهیات شفا (ابن سینا، ۱۳۷۶: ۳۵۶) با احتیاط به فرضیه فارابی نزدیک شده و وجود جسم آسمانی یا چیز شبیه به آن را به‌عنوان موضوع تصورات و تخیلات نفس، محال نمی‌داند. خواجه نصیر الدین طوسی بدون ذکر دلیل و سپس ملاصدرا فرضیه فارابی را در حل مساله نمی‌پذیرد، لیکن پیشنهاد ملاصدرا آن است که نفس برای طی استکمال برزخی خود به وسیله استکمالات ذاتی که متصل به نفس است، تکامل می‌یابد، نه به واسطه بدنی دیگر (طوسی، ۱۳۷۴: ۱۶۳-۱۷۸ و ملاصدرا، ۱۳۷۸، ج ۹: ۴۷) از دیگر تالیفات مهم در روزگار ما که در بخشی از آن‌ها به این مساله پرداخته شده، عبارتند از شرح عیون مسایل نفس، اتحاد عاقل و معقول، هزار و یک نکته از علامه حسن حسن‌زاده آملی،

تعلیقات بر شرح فصوص الحکم از امام خمینی، معاد شناسی از محمد حسین تهرانی، شواهد الربوبیه و اسفار ملاصدرا.

تکمیل و اثبات مساله تکامل برزخی از منظر عقل و نقل به دلایل ذیل قابل تامل بوده و از ضرورت برخوردار است:

الف: ارتباط وثیق مساله با انسان شناسی دینی و سعادت و تعالی انسان، به ویژه در عالم برزخ و رستاخیز.

ب: ایجاد درک صحیح نظری از کیفیت سلوک در مسیر عبودیت و پیمایش مراحل تکامل نفس در عالم برزخ؛ زیرا از منظر عملی ایجاد بیم و امید نسبت به سعادت در عوالم بعدی و در نتیجه تشویق به عبودیت و تحریض بر حسنات و ترک سیئات بر آن مترتب است.

ج: تایید و تحکیم «اصل بقا و تجرد نفس»، «اصل شعور نفس»، «اصل ارتباط روح با عالم مافوق و مادون»

د: اثبات تداوم اختیار روح در عالم برزخ، استکمال مجانین و اطفالی که می‌میرند، هم چنین زمانمند بودن عالم برزخ.

ه: ایجاد هماهنگی بین آموزهای نقلی و عقلی - فلسفی در این مساله، در راستای تحکیم باورهای نقلی.

راهبرد نویسنده در این مقاله استفاده از روش تحقیق مساله محور، توصیفی، با رویکرد تحلیلی سیستمی و «استناد» در مورد نقلی و «استدلال» در خصوص مفاهیم عقلی است.

۱. واژه شناسی

مقصود از واژه‌ی «کمال» و «تکامل» در این مقاله رسیدن به استعدادهای نهفته در هر شخص است؛ خواه استعدادهای نیک و یا شر. یعنی انسان‌هایی که دارای استعدادهای نیکو بوده ولی به دلایلی استعدادهای آنها در دنیا به ظهور نرسیده، در جهان برزخ به کمال خود خواهد رسید. هم چنین کسانی که دارای استعدادهای شری بوده و به دلایلی، استعدادهای آنها به ظهور نرسیده در سرای برزخ استعدادهای آنها به حد کمال خود می‌رسد: «كَلَّا تَمِذُّ هَوَّلَاءِ وَ هَوَّلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ» (اسراء/۲۰): و ما به

هر دو گروه [دنیای طلبان و آخرت طلبان] به لطف خود مدد خواهیم داد. بنابراین مراد از «تکامل برزخی» در این مقاله تنها سیر صعودی نیست، بلکه سیر هر موجودی به سوی کمال ذاتی خود است خواه کمال ذاتی منتهی به بهشت باشد یا جهنم. واژه‌ی «برزخ» در لغت به معنای چیزی است که در میان دو چیز دیگر حایل شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۱۸) و در اصطلاح علمای اسلام به عالمی گفته می‌شود که ما بین عالم جسم (جهان مادی) و عالم نفس (قیامت) است. هم چنین به عالم برزخ، عالم مثال و خیال نیز می‌گویند. (تهرانی، ۱۴۲۳: ج ۲: ۱۶۰)

۲. تکامل برزخی نفس، یک اعتقاد اسلامی

نظر به مستند بودن مساله تکامل برزخی به آیات و روایات فراوان و در حد تواتر - و عمدتا در قالب دلالت تضمنی و التزامی - بسیاری از مفسران، فقیهان، متکلمان و عارفان اسلامی آن را امری محقق و اعتقادی مسلم، بلکه از ضروریات دین و اجماع جمیع انبیاء و مرسلین بر شمرده‌اند (طوسی، ۱۳۷۴: ۱۶۸ و حسن زاده آملی، ۱۳۷۶: ۱۷۲). از این رو علامه حسن‌زاده آملی در این زمینه می‌نویسد: صاحب اسفار در آخر فصل از جلد چهارم اسفار آراء و اقوالی از اساطین حکمت مانند سقراط نقل می‌کند که قائل به تکامل برزخی نفوس اند و اعظم حکما از قدیم الدهر بدان قائل و معتقد بوده‌اند. (حسن زاده آملی، ۱۳۶۵: ۴۰۷)، چنان که نقل مباحثی مانند قضای عبادت میت و اجیر گرفتن برای آنان از سوی فقها، هم چنین عناوین روایی هم چون سود بردن روح متوفی از کارهای نیک دیگران در دنیا، توصیه به دعا و هدیه برای گذشتگان و ... از سوی محدثان؛ دلیل قطعی بر اعتقاد آنان به این موضوع است.

۲-۱. تکامل برزخی از نگاه آیات: همان‌طور که در گذشته اشاره شد، تکامل برزخی از برخی آیات استنباط می‌شود و این استدراک ضمنی و التزامی از منظر عالمان اسلامی از مسلمانات است. مهم‌ترین آیاتی که در این زمینه مورد استشهاد قرار گرفته، به شرح ذیل است:

۱- آیاتی که به‌طور «مطلق» و در همه اعمال یا «مقید» و در باقیات صالحات و صدقات جاریه، دلالت بر رشد دائمی اعمال دارند.

الف: آیه ۲۳ شوری: «وَمَنْ يَقِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا». «هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد] برای او در ثواب آن خواهیم افزود»، همانند دو آیه ۲۷۶ سوره بقره: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَاَ وَيَرْبِي الصَّدَقَاتِ» و ۲۰ شوری «مَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ» دلالت بر رشد کیفی عمل دارد.

ب: آیه ۴۰ سوره نساء: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يَضَاعِفْهَا» «خدا ذره‌ای هم ستم نمی‌کند اگر نیکی باشد آن را دو برابر می‌کند» و آیه ۲۴۵ بقره: «مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً» کیست که به خدا قرض الحسنه دهد، تا خدا بر آن چند برابر بیفزاید؟ « با تعبیر « مضاعف شدن عمل نیک یا قرض نیکو» دلالت بر رشد و توسعه دائمی اعمال دارد؛ چنانچه از پیامبر اکرم ۶ درباره معنای آیه روایت شده است: «خداوند متعال صدقه‌ها را قبول کرده و از آنها فقط پاکیزه‌ها را قبول می‌فرماید و آن را برای صاحبش بزرگ می‌کند و می‌روباند، همان‌طور که شما کره اسب یا بچه شتر خود را نگهداری کرده و بزرگ می‌کنید، حتی این که یک لقمه به اندازه کوه احد می‌شود. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۶۷۱ ذیل آیه مربوطه)

ج: آیه ۴۶ سوره کهف: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا» «مال و فرزندان، زینت زندگی دنیا هستند و کارهای ماندگار شایسته، نزد پروردگارت پاداشی بهتر دارند و امید بخش ترند.»، دلالت دارد که « باقیات الصالحات» یعنی کارهای نیک ماندگار - دربرابر کارهایی که انسان برای رفاه دنیای خود انجام می‌دهد- برای عامل مفیدتر و برای آخرتش امیدوار کننده تر است، زیرا به دلیل بقای دائمی آنها، سرمایه اخروی محسوب شده و سود بیشتری به عامل می‌رساند.

د: آیه ۱۲ سوره یس: «إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ» «ماییم که مردگان را زنده می‌سازیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند با آثار [و اعمال]شان درج می‌کنیم» اعمال انسان را به دو دسته: اعمالی که ظاهراً آثارش رشد مستمر ندارد (=صدقات)، و کارهایی که رشد مستمر داشته و آثارش پس از مرگ باقی می‌ماند (= صدقات جاریه) تقسیم می‌کند.

نتیجه آن که: بنابر قاعده اصولی و حمل آیات مطلق بر مقید، می‌توان گفت: تنها باقیات صالحات و صدقات جاریه، پس از مرگ عامل، موجب رشد مستمر عمل و انعکاس آن در متن نفس می‌شود، هر چند ممکن است بگوییم که فضل خداوند به قدری گسترده است که شامل رشد همه افعال شایسته می‌شود.

۲- قرآن برای اولین بار در تاریخ تفکر بشری، ذیل آیه ۲۶۱ بقره به مساله «توسعه یافتن اعمال - اعم از نیک و بد اشاره دارد: «مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ»، «مثل آنان که مال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، مثل دانه‌ای است، که هفت خوشه برآورد و در هر خوشه‌ای صد دانه باشد خدا پاداش هر که را که بخواهد، چند برابر می‌کند».

۳- از مجموع دو آیه ۴۰ سوره عنکبوت «فَكَلَّمَا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ» «و ما هر طایفه‌ای را به کیفر گناهش مواخذه کردیم» و آیه ۱۰ سوره حاقه «فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخَذَةً رَابِيَةً» «و از دستورات فرستاده پروردگارشان سرپیچی کردند»، آنان را به عقوبتی سخت بگرفت» که اولی دلالت دارد بر این که: هر گناهکار با گناه خودش گرفتار می‌گردد، و دومی می‌فهماند: گرفتاری گناهکاران در یک وضع ثابت نمی‌ماند، بلکه پیوسته در حال زیاد شدن است؛ چنین استدراک می‌شود که گناهان پیوسته در حال زیاد شدن هستند.

لازم به یاد آوری است: «توسعه یافتن سیئات» در منافات با آیه ۱۶۰ انعام: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» «هر کس کار نیکی به جا آورد او را ده برابر آن پاداش است» نمی‌باشد، زیرا از این آیه صرفاً استنباط می‌شود که هیچ سیئه‌ای، بیشتر از یک سیئه نمی‌شود، اما این که سیئه‌ای افزایش یا کاهش نمی‌پذیرد و یا در یک وضع ثابت می‌ماند، آیه از بیان آن ساکت است. (رضوی، ۱۳۵۰: ۳۰۵-۳۰۴)

۴- از آیه ۱۶۱ بقره: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ مَاتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ»

«کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آن‌ها خواهد بود»، با توجه به این که لفظ «الناس» مشمول همگان، اعم از گذشتگان و آیندگان می‌شود، یعنی کافری که مرده است، پیوسته به او لعنت می‌رسد و

عذاب می‌شود، چنین استنباط می‌شود که: اعمالی که کفار در دنیا انجام داده اند، چنان در جانانشان ریشه دوانده که تا انقراض دنیا، تبعات و ثمرات تلخ به بار می‌آورد و بر عامل خود ملحق می‌گردد.

۵- آیت الله حسن زاده آملی از ظهور دو آیه ۳۵ ق: «و لدینا مزید» «و نزد ما افزون بر آن نیز هست»، و ۲۶ یونس «للذین احسنوا الحسنی و زیاده»، «برای کسانی که نیکوکار شدند و نیکی کردند پاداش نیک (مقررری) و فزونی (تفضل) است» تکامل و ترقی نفس را استنباط می‌نماید.

نتیجه آن که پیرو آیات فوق و مستند به آیه ۴۷ ذاریات که دلالت بر اتساع همه اجزای آفرینش و عالم تکوین دارد و به دلیل تطبیق عالم تشریح بر تکوین، وسعت یافتن و اتساع اعمال و کردارهای نیک و بد انسان می‌تواند مصداقی از این قاعده عمومی (= اتساع عالم) تلقی گردد.

۲-۲. تکامل برزخی از نگاه روایات: حدیث، مرتبه نازل قرآن است. از منظر عالمان مسلمان موضوع تکامل برزخی از روایات «فراوان، متظافر» و «در حد تواتر» آن هم با تبیین روشن تر از آن چه در آیات مطرح شده، استنباط می‌شود. هر چند به واژه «تکامل برزخی» تعبیر نشده است (حسن زاده آملی؛ ۱۳۷۸: ۳۱۰، و ۱۳۷۶: ۱۷۲)

برزخی از مهم ترین روایاتی که در این زمینه مورد استشهاد قرار می‌گیرد عبارتند از:
 ۱- روایاتی که دلالت دارند بر تربیت فرزندان مومنانی که در کودکی از دنیا رفته اند، به وسیله حضرت زهرا(س) در عالم برزخ؛ مانند روایت منقول از حضرت امام صادق علیه السلام: «قَالَ: إِنَّ أَطْفَالَ شِيعَتِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ تُرَبِّبُهُمْ فَاطِمَةُ» (مجلسی، ۱۳۹۷: ج ۶: ۲۲۹): فرزندان شیعیان ما از مومنین را فاطمه(س) تربیت می‌فرمایند. و نیز روایتی از پیامبر(ص) با سند متصل از عبدالرحمن بن غنم در نقل امالی صدوق در خصوص تربیت کودکان برزخ به وسیله حضرت ابراهیم(ع): «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) مَنْ هَذَا الشَّيْخُ يَا جَبْرَيْلُ قَالَ هَذَا أَبُوكَ إِبرَاهِيمُ قَالَ فَمَا هَؤُلَاءِ الْأَطْفَالُ حَوْلَهُ قَالَ هَؤُلَاءِ أَطْفَالُ الْمُؤْمِنِينَ حَوْلَهُ يَغْدُوهُمْ» (صدوق، ۱۳۷۶: ۴۵۱)

۲- روایت پیامبر(ص): «من سنَّ سنَّةَ حسنه کان له أجره و أجر من عمل بها الی یوم القیامه و من سنَّ سنَّةَ سیئه کان علیه وزرها و وزر من عمل بها الی یوم القیامه»

(مفید، ۱۴۱۳ ق: ۱۳۶) که دلالت دارد پرونده اعمال انسان، پس از مرگ به طور کامل بسته نمی‌شود و ثواب عمل بر سنت حسنه و عقاب رفتار بر اساس سنت سیئه در نامه عمل بنیاد گذار نگاشته می‌شود.

۳- همه آن چه در شریعت وارد شده مبنی بر این که خیرات و مبرآت مانند خواندن قرآن، نماز، زیارت، اطعام و ... که زندگان به نیابت از اموات انجام می‌دهند یا ثواب آن را به ایشان هدیه می‌نمایند، بر تکامل نفس در برزخ دلالت دارد (رک: حسن‌زاده آملی: ۱۳۸۰ش، ج ۲: ۳۹۷) مانند:

الف: بیان پیامبر(ص) که فرمودند: «حضرت عیسی بن مریم ۷ از کنار قبری عبور کردند، دیدند که صاحب آن قبر را عذاب می‌کنند و سپس در سال بعد از کنار آن قبر عبور نمودند، دیدند که صاحب آن قبر را عذاب نمی‌کنند. گفت پروردگارا من در سال قبل از اینجا عبور کردم، دیدم صاحبش معذب است و در این سال عبور کردم، دیدم عذاب از او برداشته شده است. خداوند عزوجل به حضرت عیسی وحی کرد: ای روح‌الله، از این مرد یک فرزندی به مقام بلوغ رسیده، آن فرزند صالح و نیکوکار است، راهی را برای مردم استوار و هموار نمود و یتیمی را مسکن و مأوا داد، پس من به برکت عمل فرزندش از گناه او در گذشتم.» (ابن بابویه قمی: ۱۳۷۶ش: ۳۰۶)

ب: روایت امام صادق(ع) که فرمودند: هر مسلمانی برای مرده‌ای عمل صالح انجام دهد، خداوند ثواب او را چند برابر می‌کند و مرده هم از آن عمل نفع می‌برد.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۸ / ۲۸۲)

ج: روایت رسول اکرم(ص) «ان العبد لیرفع له درجه فی الجنه لا یعرفها من اعماله فیقول ربه آتی لی هذه فیقول باستغفار والدیک لک من بعدک»: «برای بنده در بهشت، درجه‌ای بالا برده می‌شود و او آن درجه را از اعمال خودش نمی‌شناسد، پس می‌گوید پروردگارا این درجه را از کجا برای من حاصل شد؟ می‌فرماید: با مغفرت خواستن پدر و مادرت بعد از تو برای تو (نوری، ۱۴۰۸ ق: ج ۱: ۴۸۶)

د: روایاتی که دلالت دارند بر این که نماز و روزه و حج و صدقه و دعاء، در قبر میت داخل می‌شود. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق: ج ۱: ۱۸۳)

۴- روایاتی که به نحوی دلالت بر بهشت و دوزخ برزخی و برخوردارگی اموات از نعمت و عذاب در عالم برزخ دارد، به نحو التزام دلالت بر تکامل برزخی دارند:

الف: روایاتی که دلالت دارند بر اینکه قبر یا باغی از باغ‌های بهشت است و یا گودالی از گودال‌های جهنم. (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲: ۹۴)

ب: روایاتی دال بر این که ارواح مؤمنان قبل از قیامت در حجره‌های بهشتی هستند و از طعام آن می‌خورند و از شراب آن می‌نوشند و همدیگر را زیارت می‌کنند و می‌گویند: «پروردگارا قیامت را برای ما به پا دار تا آنچه به ما وعده داده‌ای محقق سازی.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶: ۲۴۳)

ج: رسول خدا به قیس بن عاصم فرمود: «و انه لابد لك يا قيس من قرين يدفن معك و هو حي و تدفن معه و انت ميت فان كان كريماً اكرمك و ان كان لثيماً اسلمك ثم لا يحشر الا معك و لا تبعث الا معه و لا تسال الا عنه فلا تجعله الا صالحاً فانه ان صلح انست به و ان فسد لا تستوحش الا منه و هو فعلك» «ای قیس به ناچار قرینی تو راست که با تو دفن شود و آن قرین زنده است تا تو با وی دفن می‌شوی، در حالی که تو مرده‌ای، اگر کریم باشد، تو را اکرام نماید و اگر لثیم باشد رهایت کرده آنگاه جز با تو محشور نگردد و تو مبعوث نگردی مگر با وی و سوال نشوی مگر از وی پس آن را جز صالح قرار مده، زیرا اگر آن قرین صالح باشد با وی مانوس شوی و اگر فاسد باشد، وحشتی جز از وی نداری، و آن قرین همان فعل توست (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷: ۲۲۸)

۵- روایاتی که محل‌هایی از زمین را به‌عنوان بهشت و دوزخ برزخی یا محل ملاقات اموات با خانواده‌هایشان تعیین می‌نماید، دلالت دارند که علقه مادی ارواح به طور کامل از عالم طبیعت قطع نمی‌شود و در نتیجه به دلالت التزام، تکامل برزخی نفس را می‌رساند. مانند:

الف: روایاتی که دلالت دارند بر این که ارواح مؤمنان را خداوند در پشت شهر کوفه در وادی اسلام، محشور می‌کند و آن‌ها گروه‌ها نشسته‌ای هستند که با همدیگر صحبت می‌کنند. (کلینی: ۱۴۰۷ق: ج ۳: ۲۴۳)

ب: روایاتی که دلالت بر طلب حاجت فرزندان بر سر قبر پدر و مادر دارند: (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲: ۶۰۷) روایاتی که دلالت دارند بر این که مردگان با کسانی که قبرهای آنان را زیارت می‌کنند، مانوس هستند و در حق زندگان دعا می‌کنند. (مجلسی: ۱۴۰۳ق: ج ۸۸: ۳۱۰)

نتیجه آن که دستاورد تامل در آموزه‌های قرآنی و روایی در خصوص تکامل برزخی به شرح ذیل است:

- به دلیل حرکت کلی جریان آفرینش به سوی خداوند، همه انسان‌ها اعم از خوب و بد در مسیر بازگشت به خداوند هستند.

- در این قوس صعودی، روح و بدن انسان باید با انجام تحول و اکتساب قابلیت‌ها، متناسب با عالم جدید (= عالم برزخ) گردد و این همان تکامل برزخی است. علامه حسن زاده آملی در این زمینه می‌نویسد: هیچ انسانی بدون برزخ نمی‌تواند وارد عالم محشر و بهشت یا دوزخ ابدی شود، زیرا انتقال از محیطی به محیط دیگر که از هر نظر با محیط اول متفاوت است، در صورتی قابل تحمل خواهد بود که مرحله میانه‌ای وجود داشته باشد، مرحله‌ای که بعضی از ویژگی‌های مرحله اول و پاره‌ای از ویژگی‌های مرحله دوم در آن جمع باشد. (حسن زاده آملی: ۱۳۷۵: ۲۶۳-۲۶۵)

- این حرکت برای کسانی که مقصدشان «لقاء با اسماء رحمت خداوند» است به صورت تحمل فشارها، سختی‌ها است که موجب تزکیه و طهارت روح مؤمن می‌شود و تا حدودی که عالم برزخ اقتضاء می‌کند بخشی از حجاب‌ها از چهره روح کنار می‌رود و صورت اصلی او تا اندازه‌ای جلوه می‌کند و این همان تکامل روح است و حرکت تکاملی روح جز این نیست. لیکن افرادی که در مسیر شان در دنیا جز انکار و عناد نبود به سوی «لقاء خداوند با اسماء غضب» در حرکت می‌باشند. کیفیت حرکت و تحول آنها در برزخ به صورت فرو رفتن در عمق عذاب، ضلالت و انحراف در حد نظام برزخی خواهد بود.

۲-۳. تکامل برزخی از نگاه عقل: حقیقت آن است که اکثر مباحث جزئی مربوط به جهان آخرت، خارج از دسترسی عقل نظری است، زیرا هر چند عقل ابزار مهمی برای کشف حقایق است، اما هرگز قادر به کشف همه حقایق و تبیین همه زوایای سعادت انسان نیست، لیکن اگر بتوانیم با تعمیق بیشتر، کارایی عقل را توسعه داده و موفق به تطبیق دستاوردهای عقلی با آموزه‌های آیات و روایات شده و رفع تعارض نماییم، پایه‌های باورهای دینی را استوار نموده ایم، چنانچه شرع مقدس نیز عقل را به پژوهش و تدبر ترغیب نموده است.

فیلسوفان مسلمان از دیرباز به جهت توجیه عقلانی اعتقادات دینی تلاش نموده‌اند. آنان از طریق آموزه‌های وحیانی با موضوع تکامل برزخی آشنا شده‌اند. اما تا پیش از فلسفه ملاصدرا، از دست یافتن برهان عقلی در اثبات آن ناتوان بوده‌اند. (طوسی، ۱۳۷۴: ۱۷۱)

مهم‌ترین اشکالی که در اثبات تکامل برزخی نفس (اعم از تکامل عملی نفوس در عالم برزخ مانند وصول ثواب، خیرات، مبرات، صدقات و ... از زندگان به مردگان؛ و تکامل علمی اموات در ادامه تکامل دنیوی) وجود دارد آن است که تکامل در جایی متصور است که قوه و استعدادی باشد که در بستر ماده، زمان و مکان حرکت کرده و به کمال مطلوب خود برسد. پس چگونه نفس انسانی پس از مرگ بدن و مفارقت از دنیا و ورود به جهان برزخ که ماورای زمان و مکان و ماده است، متکامل می‌شود؟

فارابی و ابن سینا در مورد نفوس غیر کامله که از دنیا رفته‌اند، قایل به نوعی بدن آسمانی یا چیزی شبیه به آن هستند که موضوع تخیلات آنان است (ابن‌سینا: ۱۳۶۳ش: ۱۱۴) ابن‌سینا در التعلیقات می‌نویسد: «برهانی نداریم که نفوس غیر مستکمل وقتی مفارقت کردند برای آن‌ها مکمل‌هایی باشد، چنان که برخی معتقد شده‌اند که نفوس کواکب، مکمل آن‌هاست و این که آن نفوس مفارقت است و هم چنین برهانی نداریم بر این که نفوس غیر مستکمل وقتی جدا شدند بعد از مفارقت مکملاتی نداشته باشند.» (ابن‌سینا: ۱۴۰۴: ۸۷)

در مقام تبیین فلسفی این تکامل باید گفت: از یک دیدگاه کلی، روح مجرد و نفس ناطقه انسان از روح خداوند بوده و مراتب و منازل مختلفی را طی کرده تا به ماده و بدن مادی رسیده است و در مسیر رجوع هم باید منازل بسیاری را طی کند که از این مسیر صعودی می‌توان تعبیر به تکامل نمود.

واقعۀ مرگ و انتقال به برزخ به خودی خود یکی از منازل حرکت الی‌الله بوده و نهایت تکامل انسانی نیست بلکه نفس هنوز منازل بسیاری را تا رسیدن به تجرد تام پیش روی دارد ولی با توجه به تعریف فلسفی حرکت، اشکالی که مطرح می‌شود این است که حرکت خروج تدریجی شیئی از قوه به فعل بوده و ماده نیز حامل این قوه و استعداد است. بنابراین حرکت مشروط به ماده و حالت بالقوه بوده و لذا در برزخ که ماده نیست، حرکت و به تبع آن تکاملی هم قابل تصور نخواهد بود.

در پاسخ به این اشکال باید گفت: نفس انسان بعد از مرگ هر چند ماده و بدن دنیوی را رها کرده و از لحاظ حرکت مادی به فعلیت رسیده است، اما نسبت به حالت

اصلی خود (تجرد محض) هنوز در حجاب‌های مختلفی قرار دارد. بنابراین به یک لحاظ می‌توان گفت: نفس در این شرایط نسبت به حالت‌های بعدی خود که حجاب‌های کمتری خواهد داشت بالقوه بوده و باید تکامل پیدا کند تا به تجرد محض و فعلیت تام برسد.

از همین روی بسیاری از بزرگان از این تکامل به جای تعبیر حرکت از تعبیراتی چون القای حجب و غرائب و کدورات یا ازدیاد حب و غیره استفاده کرده‌اند که منافات با غیرمادی بودن عالم برزخ ندارد. بنابراین تکامل برزخی منافاتی با خروج از ماده نخواهد داشت زیرا که هر چند ماده دنیوی در برزخ وجود ندارد اما خود نفس در عین رها کردن بدن مادی دارای حالت بالقوه‌ای می‌باشد که حاصل محبوب بودن او است و بعد از تکمیل نواقص و کنار رفتن حجاب‌های حاصل از اقامت در حیات دنیوی و غیره، در نهایت به فعلیت تام خواهد رسید. به این ترتیب که نفس در مسیر رسیدن به کمال، از عالم برزخ و عوالم و منازل بالاتر خواهد گذشت و در نهایت وارد قیامت خواهد شد که فعلیت تام و پایان تکامل محسوب می‌شود.

از همین رو است که گفته می‌شود: برزخ و نیاز به تکامل برزخی برای تمامی نفوس، یکسان نبوده و چه بسا افراد کاملی که حجاب‌های ظلمانی و نورانی را در همین حیات دنیوی کنار زده‌اند، لذا توقف کمتری در برزخ خواهند داشت، مانند معصومین (ع) که به حسب مراتب و درجاتشان بعد از مرگ به جایگاه قدسی خود که از آن جا آمده بودند، ملحق خواهند شد.

با توجه به مسائل مطرح شده، مبانی فلسفی که برای امکان حرکت در بحث قوه و فعل مطرح شده است، منافاتی با تکامل برزخی نخواهد داشت و تنها راه‌آورد آن این است که باید حرکت مادی به معنایی که در نظام دنیوی محقق است را در عالم برزخ منتفی بدانیم چرا که این مرحله از حرکت به غایت خود رسیده و نفس، بدن مادی را رها کرده است ولی نوع دیگری از تکامل که دارای ماهیتی غیرمادی است در برزخ محقق بوده و تا خلاصی نفس از غرائب و کدورات و حجاب‌های عارض شده ادامه خواهد داشت و به این لحاظ نه تنها تکامل برزخی امکان‌پذیر است بلکه سلوک نفس در مسیر رسیدن به تجرد محض و فراتر رفتن از تجرد برزخی ضروری می‌باشد.

بنابراین منشأ اشکال مطرح شده مبنی بر این که تکامل فقط مشروط به ماده و بدن دنیوی است، حاصل این تصور است که برخی گمان کرده‌اند تنها عاملی که نفس و روح را از حصول مجرد تام بازداشته است، تعلق به این بدن مادی است و به محض این که نفس از این بدن رها شد به مجرد تام خواهد رسید و دیگر تکاملی برایش نخواهد بود. حال آن که این تصویری باطل بوده و صرف واقعه مرگ باعث رسیدن نفس به فعلیت تام و پایان یافتن حرکت و سلوک نخواهد شد بلکه مرگ هر چند رها کردن یکی از مهم‌ترین موانع مجرد نفس یعنی بدن فیزیکی است، ولی پایان حرکت نبوده و به قول ملاصدرا، ابتدای رجوع الی الله محسوب می‌شود. (صدرالدین شیرازی: ۱۳۷۵: ۳۵۵)

ملاصدرا قائل به وجود حرکت در تمامی عوالم است اما با فرق گذاشتن بین قوه حرکت در دنیا (که مادی و استعدادی می‌باشد) با قوه حرکت و تکامل در برزخ و قیامت (که همان ملکات کسب شده در دنیا می‌باشد) می‌نویسد: «صورت نفسانی انسان، عبارت از ماده‌ای است که پذیرای صورت اخروی گوناگونی - به حسب هیأت و ملکات کسب کرده - می‌باشد و خداوند، آن‌ها را در رستاخیز به صورتی که مناسبشان است، لباس می‌پوشاند و به سوی آن‌ها و بدان‌ها محشور می‌گردد.» (صدرالمتلهین، ۱۳۷۸، ج ۷: ۲۳۸)

آیه الله حسن‌زاده آملی در همین زمینه می‌نویسد: «اگر چه اعمال به حسب نشأه عنصری اعراضند، لیکن ملکات حاصله از آن که در صقع و متن نفس متحقق می‌شوند حقایقی قائم به نفسند که همانند فعل به فاعل خود قائم هستند، این ملکات قائم به ذات خویشند، زیرا از شوون و اطوار نفس اند، و آن ملکات، مواد صور برزخی مثالی و صور بالاتر از آن و متفرعاتشان می‌باشد.» (حسن‌زاده آملی: ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۱۴)

ملاصدرا با تفاوت قائل شدن بین حرکت مادی که دارای اسباب خارجی است با حرکت برزخی و اخروی که دارای اسباب داخلی است می‌نویسد: «فرق بین هیولای صور دنیوی و هیولای اخروی به اموری چند است. از آن جمله این که آنچه بر هیولای صور دنیوی وارد می‌شود جز پس از حرکت استعدادی و زمان پیشین و جهات قابلیت و اسباب خارجی، بر آن وارد نمی‌شود - بر عکس ماده اخروی - زیرا صورتی که بر آن افزوده می‌شوند، همه از جانب مبدأ فیاض و از جهت مقدمات و اسباب داخلی (مانند خویها و ملکات) و جهات فاعلی وی بر آن افزوده می‌شوند.» (صدرالدین شیرازی: ۱۳۷۸، ج ۷: ۲۳۶)

به این ترتیب می‌بینیم که بسیاری از بزرگان، در عین این که مبانی حرکت و قوه و فعل را پذیرفته‌اند و حرکت به این معنا را در برزخ، محال می‌دانند ولی نسبت به تکامل در برزخ هم تأکید داشته‌اند و برای بیان این مطلب که تکامل برزخی از نوع حرکت به معنای مصطلح نیست از این تکامل به «القای حجب» یا «ازدیاد حجب» و مانند آن تعبیر نموده‌اند. از جمله «امام خمینی» در تعلیقات بر شرح «فصوص الحکم» به مسئله تکامل برزخی اشاره کرده و ترقی در عوالم برزخی و اخروی را از باب القای غرائب و حجب و کدورات و هیئت‌های ظلمانی دانسته‌اند که این ترقی از جنس حرکت در دنیا و دار استعداد و ماده نمی‌باشد. (خمینی: ۱۴۰۶ق: ۱۷۰)

هم چنین علامه طباطبائی، تکامل برزخی را از باب ارتقاء درجات حجب، مطرح نموده‌اند که بذر آن در حیات دنیوی کاشته شده است. (رشاد: ۱۳۸۲: ۱۶۰)

در پایان برای درک بهتر معنای تکامل برزخی می‌توان به مفاهیم ملموس‌تری نیز اشاره کرد. از جمله این که نفس در عالم رؤیا در عین حالی که از تدبیر بدن مادی فارغ است به ادراکاتی بالاتر دست می‌یابد که خود نوعی از تکامل و سیر برزخی است. هم چنین مکاشفات عرفا نیز از همین مقوله محسوب می‌شود که از نوع حرکت به معنای مادی نبوده و در حالت فراغت از بدن مادی رخ می‌دهد و در عین حال باعث تکامل نفس خواهد شد.

به بیان دیگر انسان در سیر معادی خود و بازگشت به سوی خدا باید عوالمی را طی کند تا به لقای خداوند - حال چه با اسماء رحمتش و چه با اسماء غضبش - برسد. از سویی هر عالمی دارای نظام، احکام و آثار و معیارهای خاص خود است که لازمه ورود روح به آن، ایجاد تحول و اکتساب قابلیت‌ها، خصوصیات و کمالات جدید، متناسب با آن عالم است که در نتیجه آن، مرتبه‌ای از مراتب ذاتی و صوری از صورت‌های ذاتی اش را که در مسیر نزول از دست داده بود، باز می‌یابد. این تحول و تغییر تضائفی، همان چیزی است که از آن به «تکامل» تعبیر می‌شود. از این رو علامه حسن‌زاده آملی می‌نویسد: «طفره مطلقاً چه در عالم ماده و چه در عالم معنا محال است مثلاً انسان که در هر مرتبه‌ای از مراتب فعلیت باشد تا جمیع مراتب مادونش را نگذرانده و استیفاء نکرده باشد، به آن مرتبه از فعلیت که داراست نمی‌رسد، مثلاً عقل هیولانی به عقل بالفعل نمی‌رسد مگر اینکه عقل بالملکه را گذرانده باشد وگرنه ممکن نیست چون طفره محال است.

بر همین اساس و اصل مسلم بین حکماء است که می‌توان نتیجه گرفت روح هیچ انسانی بدون برزخ نمی‌تواند وارد عالم محشر و بهشت یا جهنم ابدی شود، زیرا انتقال از محیطی به محیط دیگر که از هر نظر با محیط اول متفاوت است در صورتی قابل تحمل خواهد بود که مرحله میانه‌ای وجود داشته باشد، مرحله‌ای که بعضی از ویژگی‌های مرحله اول و پاره‌ای از ویژگی‌های مرحله دوم در آن جمع باشد. (حسن‌زاده آملی: ۱۳۷۵: ۲۶۳-۲۶۵)

تکامل برزخی در کلام عارفان نیز به چشم می‌خورد. در شرح قیصری در فص شعبی کتاب «فصوص الحکم» در بیان ترقی و تکامل بعد از موت آمده است: «این ترقی طائفه‌ای غیر از طائفه دیگر نیست، زیرا عارفان از برخی تجلی‌ها به برخی دیگر می‌رسند پس برای ایشان، ترقی حاصل می‌شود، و همین‌طور محبوبین مؤمن و مشرک و کافر، زیرا پرده برداشتن از ایشان، ترقی است و ظهور احکام اعمالشان، ترقی می‌باشد، و شهود انواع تجلیات، ترقی می‌باشد گر چه حقیقت آن‌ها را ندانند، و حصول آن‌ها در برزخ‌های جهنمی و بهستی نیز ترقی است، زیرا در آن کمال ذاتی خود می‌رسند و برداشت عذاب از ایشان بعد از انتقام منتقم از ایشان ترقی است و شفاعت شفاعتگران برای ایشان نوعی از ترقی است.

و اینکه پیامبر اکرم (ص) فرمود: «إذا مات ابن آدم انقطع عنه عمله»؛ دلالت بر عدم ترقی ندارد زیرا این ترقی به عمل نیست، بلکه به فضل و رحمت الهی است و عمل نیز مستند به فضل الهی است. (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۸۵ به نقل از شرح قیصری بر فصوص: ۲۸۴)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

نظر به مستفاد بودن مساله تکامل برزخی به آیات و روایات فراوان و در حد تواتر - و عمدتاً در قالب دلالت ضمنی و التزام - بسیاری از مفسران، متکلمان و عارفان اسلامی آن را اعتقادی مسلم، بلکه از ضروریات دین دانسته‌اند.

مهم‌ترین آیات مورد استشهاد در این زمینه عبارتند از: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى «بگو من هیچ مزد و پاداشی بر رسالتم درخواست نمی‌کنم؛ جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیتم)» (شوری/۲۳)؛ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يَضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا: «خداوند (حتی) به اندازه سنگینی ذره‌ای

ستم نمی‌کند و اگر کار نیکی باشد، آن را دو چندان می‌سازد و از نزد خود، پاداش عظیمی (در برابر آن) می‌دهد.» (نساء/۴۰)؛

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ: «کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنها خواهد بود» (بقره/۱۶۱)؛ إنا نحن نحي الموتى وَ نكتب ما قدموا وَ آثارهم وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصِينَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ: «همه آنچه جهنمیان و بهشتیان انجام می‌دهند، در کتاب مبین است.» (یس/۱۲)؛

أَمْالٌ وَ الْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمْالًا: «تمثیل قرآنی برای نشان دادن ناپایداری امکانات و جلوه‌های دنیوی در مقابل پایداری خداوند و هر آن چه وابسته به اوست.» (کهف/۴۶).

مهم‌ترین آیات مورد استشهاد در این زمینه عبارتند از روایات دال بر تربیت فرزندان مومنان که در کودکی از دنیا رفته‌اند، به وسیله حضرت ابراهیم (ع) و حضرت زهرا (س)؛ روایات دال بر پاداش مستمر تاسیس سنت حسنه و سیئه، روایاتی که به نحوی دلالت بر بهشت و دوزخ برزخی و برخوردار شدن از نعمت و عذاب در عالم برزخ دارد، روایات دال بر ایصال خیرات و میراث زندگان به مردگان و ... و مهم‌ترین دستاوردهای عقلی فلسفی حکمت متعالیه در اثبات تکامل برزخی عبارتند از:

- نفس انسان بعد از مرگ اگرچه از لحاظ حرکت مادی به فعلیت رسیده، اما نسبت به حالت اصلی خود یعنی مجرد محض، هنوز در حجاب‌های مختلفی قرار داشته و حالت بالقوه دارد و به پایان حرکت و سلوک و «فعلیت تام» نخواهد رسید، بلکه در ابتدا رجوع الی الله است، از این رو، نه تنها «تکامل برزخی» امکان‌پذیر است، بلکه از باب سلوک نفس در مسیر رسیدن به مجرد محض و فعلیت تام «ضروری» نیز هست.

- بسیاری از بزرگان از تکامل برزخی به جای تعبیر «حرکت» و «تکامل» از تعبیراتی چون القای حجب و غرائب و کدورات یا ازدیاد حب، استفاده کرده‌اند.

- برزخ و تکامل برزخی، برای تمامی نفوس، یکسان نبوده و چه بسا افراد کاملی مانند معصومان، توقف کمتری در برزخ خواهند داشت.

۴. ملکات مکتسبه نفس انسان در برزخ و قیامت، حکم ماده‌ای را دارد که پذیرای صور برزخی و اخروی حاصل اعمال نفس است.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی
۲. نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، نشر مشرقین، قم
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶)، الأمالی (للمصدق)، (چاپ ششم)، کتابچی، تهران.
۴. _____ (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، (چاپ دوم)، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.
۵. ابن سینا، حسین، (۱۴۱۸ / ۱۳۷۶)، الإلهیات من کتاب الشفاء، تعلیقات حسن حسن‌زاده آملی، (چاپ اول)، دفتر تبلیغات، قم.
۶. _____ (۱۳۷۵)، اشارات و تنبیهاات، ترجمه: حسن ملک‌شاهی، انتشارات سروش، تهران
۷. _____ (۱۳۶۳) المبدأ و المعاد، (چاپ اول)، مؤسسه مطالعات اسلامی، تهران.
۸. ابن سینا، حسین، (۱۴۰۴) التعلیقات، مکتب الاعلام الاسلامی، قم
۹. ابن عربی، محیی‌الدین، (۱۳۷۰ ش)، فصوص الحکم، (چاپ دوم)، الزهراء، قم.
۱۰. تهرانی، سید محمدحسین، (۱۴۲۳)، معادشناسی، (چاپ اول)، نور ملکوت قرآن، مشهد.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، (چاپ اول)، مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام، قم.
۱۲. حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۷۸)، ممد الهمم در شرح فصوص الحکم، (چاپ اول)
۱۳. _____، دروس شرح اشارات و تنبیهاات،
۱۴. _____ (۱۳۷۵)، اتحاد عاقل و معقول، (چاپ اول)، نشر قیام، قم.
۱۵. _____ (۱۳۷۶)، مجموعه مقالات، (چاپ پنجم)، دفتر تبلیغات، قم.
۱۶. _____ (۱۳۸۰)، عیون مسائل نفس و شرح آن، (چاپ اول)، نشر قیام، قم.
۱۷. _____ (۱۳۶۵)، هزار و یک کلمه، (چاپ پنجم)، رجا، تهران.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، (چاپ اول)، دارالعلم الدار الشامیة، بیروت.
۱۹. رشاد، محمدحسن، (۱۳۸۲)، در محضر علامه طباطبایی، سماء قلم، قم
۲۰. رضوی، محمد امین، (۱۳۵۰)، تجسم عمل یا تبدل نیرو ماده، (چاپ دوم)، نشر آیین مهر، تهران.
۲۱. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۳۷۵)، الشواهد الربوبیه فی المنهاج السلوکیه، ترجمه: جواد مصلح، (چاپ دوم)، سروش: تهران.
۲۲. _____ (۱۳۷۸)، الاسفار الاربعه، ترجمه محمد خواجهوی، مولا، تهران.

۲۳. طبرسی، فضل ابن حسن (۱۳۶۰)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ترجمه علی کرمی، انتشارات فراهانی، تهران
۲۴. طوسی، خواجه نصیر الدین، (۱۳۷۴)، **آغاز و انجام** (به ضمیمه تعلیقات)، (چاپ چهارم)، وزارت ارشاد، تهران.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، **تفسیر القمی**، (چاپ سوم)، دار الکتب، قم.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، (چاپ چهارم)، دار الکتب الإسلامية، تهران.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، **بحار الانوار**، (چاپ دوم)، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۲۸. مفید، محمد بن محمد؛ (۱۴۱۳ق)، **الفصول المختارة**، (چاپ اول)، کنگره شیخ مفید، قم
۲۹. موسوی خمینی، روح الله، (۱۴۰۶ق)، **تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس**، (چاپ اول)، مؤسسه پاسدار اسلام، بی جا.
۳۰. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ق)، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، (چاپ اول)، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم.

